



The Role of Turkish Nationalist Parties and their Influence in the 2023 Presidential Election in Turkey

Mohammad Babaei¹

Mohammad Ali Dastmali²

Abstract

At the same time as the influence of nationalism in many countries of the world has expanded, the importance of the role of nationalists was once again revealed in the 2023 elections in Turkey. Despite the fact that Turkish nationalists, in terms of the extent and depth of political and social influence, are practically in the category of the camp and the third discourse of Turkey, but in the competition between the first and second discourses, i.e. conservatives and democracy. The petitioners became an important point of gravity and played an important role. In order to win and form the cabinet, Erdoğan took the help of several nationalist parties and currents and was able to overcome the barriers of the opposition, and in this way, the leader of the most important Turkish nationalist party and the symbol of this discourse, Dolat Baghçeli, continues to assert his influence and power as Erdogan's main partner was retained and the six-party opposition coalition was defeated. The main goal of this research is to analyze the position of Turkish nationalists in Turkey's party competition and their role in the political developments of this country and to answer this question: Turkish nationalists can maintain their effectiveness based on what kind of scenarios. Do Considering the importance of Turkey's geopolitics in the region and the influence of this country on regional trends, it is necessary to examine the real position of the parties and currents of this country, especially the Turkish nationalists. This article introduces the main Turkish nationalist currents in the field of Turkish politics and determines the position of the parties with the documentary method and comparison of opinions. Turkish nationalists are still influential and important actors in the field of Turkish politics and can influence political trends in sensitive situations.

Keywords: Turkish nationalism, Turkish parties, presidential elections, Erdogan, Baghçeli.

-
1. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Kharazmi University, Tehran. Iran.
mohammadbabaei@khu.ac.ir
 2. Ph.D. Student in Political Sociology, Department of Political Science and International Relations, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author).
ma.dastmali@razi.ac.ir

Mesopotamian Political Studies, 2023, Vol. 2, Issue 3, pp. 405-419.

Received: 24 November 2023, **Accepted:** 25 December 2023

Doi: 10.22126/MPS.2023.9896.1029



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

نقش احزاب ملی‌گرای ترک و اثرگذاری آنان در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۳ ترکیه

محمد بابایی^۱

محمدعلی دستمالی^۲

چکیده

هم‌زمان با گسترده شدن دامنه نفوذ ملی‌گرایی در بسیاری از کشورهای جهان، در انتخابات سال ۲۰۲۳ ترکیه نیز اهمیت نقش ملی‌گرایان نمایان شد. ملی‌گرایان ترک از حیث گستردگی و عمق نفوذ سیاسی و اجتماعی عملاً در رده اردوگاه و گفتمان سوم ترکیه قرار گرفته‌اند؛ اما در رقابت بین دو گفتمان اول و دوم، یعنی محافظه‌کاران و دموکراسی‌خواهان، به نقطه ثقل مهمی تبدیل شده‌اند و نقش مهمی ایفا می‌کنند. اردوغان برای کسب پیروزی و تشکیل کابینه، از چند حزب و جریان ملی‌گرا کمک گرفت و توانست از سد مخالفان بگذرد. به این ترتیب، دولت باغچلی، رهبر مهم‌ترین حزب ملی‌گرای ترکی و نماد این گفتمان، همچنان نفوذ و قدرت خود را به‌عنوان شریک اصلی اردوغان حفظ کرد و ائتلاف شش‌حزبی مخالفان شکست خورد. هدف اصلی این پژوهش تحلیل جایگاه ملی‌گرایان ترک در رقابت‌های حزبی ترکیه و نقش آنان در تحولات سیاسی این کشور و پاسخ دادن به این سؤال است که ملی‌گرایان ترک بر اساس چه نوع سناریوهایی می‌توانند اثرگذاری خود را حفظ کنند؟ با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک ترکیه در منطقه و تأثیر این کشور بر روندهای منطقه‌ای، لازم است جایگاه واقعی احزاب و جریانات این کشور و به‌ویژه ملی‌گرایان ترک بررسی شود. این مقاله جریانات عمده ملی‌گرای ترک در پهنه سیاست ترکیه را معرفی کرده و با روش اسنادی و مقایسه‌آراء، جایگاه احزاب را مشخص کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ملی‌گرایان ترک در عرصه سیاست ترکیه، هنوز هم کنشگران اثرگذار و مهمی هستند و می‌توانند در بزنگاه‌های حساس بر روندهای سیاسی اثر بگذارند.

کلیدواژه‌ها: ملی‌گرایی ترکی، احزاب ترکیه، انتخابات ریاست جمهوری ترکیه، اردوغان، باغچلی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

mohammadbabaei@khu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

(نویسنده مسئول).

ma.dastmali@razi.ac.ir

مطالعات سیاسی بین‌النهرین، ۱۴۰۲، دوره دوم، شماره سوم، ۴۰۵-۴۱۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

Doi: 10.22126/MPS.2023.9896.1029

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

جمهوری ترکیه به‌عنوان مهم‌ترین واحد جغرافیای سیاسی بر جای مانده از امپراتوری عثمانی، از سال ۱۹۲۳ به این سو، تحولات سیاسی - اجتماعی پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. این کشور، به‌خاطر موقعیت ژئوپلیتیک خاص خود در بین دو قاره آسیا و اروپا، در هر دو جنگ جهانی اول و دوم و در دوران جنگ سرد، کانون بسیاری از اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌های جهانی و منطقه‌ای بوده و از نخستین کشورهایی است که با عضویت در پیمان نظامی ناتو در سال ۱۹۵۲ در ترتیبات امنیتی غرب قرار گرفت.

ترکیه در داخل نیز تجارب و رویدادهای متعدد مانند کودتاهای نظامی، چالش و درگیری‌های قومیتی و اقلیتی و برآمدن اسلام‌گرایان را پشت سر گذاشته است. این کشور، از حیث تنوع و تکثر قومی و زبانی، پویایی سیاسی و اجتماعی و تعدد و تکثر احزاب، دارای ظرفیت‌های فراوانی برای رقابت و تنش بین احزاب و گروه‌های سیاسی است و در جریان تحولات سده گذشته، ملی‌گرایان همواره به شیوه‌های مختلف نقش‌آفرینی و کنشگری کرده‌اند. از این رو، تحلیل و ارزیابی چندوچون تحولات سیاسی ترکیه - بدون توجه به نقش و مشی ملی‌گرایان - میسر نیست؛ زیرا آنان در کنار گروه‌های سیاسی و اجتماعی دیگری همچون محافظه‌کاران، سکولارهای کمالیست و کُردها همیشه در کانون کنشگری سیاسی قرار داشته‌اند. در ترکیه و در حوزه ترویج افکار ملی‌گرایانه، نقش روشنفکران، نویسندگان و دانشگاهیانی همچون ضیا گو کالپ و امثال او انکارنشده است؛ با وجود این، در برآیند کلی تحولات سیاسی، نقش احزاب ملی‌گرا به‌مراتب پررنگ‌تر از نقش روشنفکران بوده است.

بررسی جریان‌های سیاسی و احزاب عمده ترکیه نشان می‌دهد که در این کشور چند حزب سیاسی پایبندی به آرمان‌ها و اهداف ملی‌گرایی نژادی و ترکی را بر دیگر رویکردها مقدم می‌شمارند و لذا آنان را باید به‌عنوان «احزاب ملی‌گرای ترک» قلمداد کرد. استفاده از پسوند «ترک» و «ترکی» برای این احزاب، به این دلیل اهمیت دارد که از دیرباز و تقریباً از همان مقاطع نخست تشکیل جمهوری در دهه سوم قرن بیستم، «ملی‌گرایی کُردی» جریان‌زنده و نمایان بوده و تفکیک و تمایز این دو رویکرد سیاسی در ترکیه دارای اهمیت شناختی است. اساساً هر کدام از این دو رویکرد ملی‌گرایانه، سویه نژادی روبه‌روی خود را به‌عنوان «دیگری» می‌شناسد و یکی از مهم‌ترین کارکردهای هر دو جریان، «دیگری‌سازی»، «دیگری‌هراسی» و «دیگری‌ستیزی» بوده است. با این تفاوت که «ملی‌گرایی

ترکی» از قدرت و استیلای بالاتری برخوردار بوده و راه حفظ بقای خود را در حذف یا تضعیف جریان مقابل دانسته است؛ بنابراین، با درک این تمایز مهم و با یادآوری این موضوع که هدف و تمرکز اصلی این مقاله بر تأثیرگذاری جریان ملی‌گرایی ترکی در انتخابات ۲۰۲۳ است، مُراد از رویکرد ملی‌گرایی در این مقاله، نوع و نسخه ترکی آن خواهد بود. در ادامه، همه احزاب ملی‌گرای ترکی و وزن و تأثیر آنان به اختصار معرفی خواهند شد.

هدف اصلی این مقاله تعریف جایگاه سیاسی و اجتماعی احزاب ملی‌گرای ترک در صحنه رقابت‌های حزبی ترکیه و پاسخ دادن به این سؤال است که ملی‌گرایان ترک، بر اساس چه نوع سناریوهایی می‌توانند اثرگذاری خود را حفظ کنند؟ در این پژوهش، از سند نتایج انتخابات ۲۰۲۳ که رسماً توسط «نهاد عالی انتخابات ترکیه» منتشر شده، به عنوان اصلی‌ترین سند نتیجه رقابت احزاب استفاده شده است.

۲. جمهوری ترکیه، برآمدن ملی‌گرایی ترکی

سال ۲۰۲۳، یکصدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه به عنوان نخستین تجربه تأسیس نظام جمهوری در کل منطقه خاورمیانه بود. در تاریخ صدساله، نوعی از ملی‌گرایی مبتنی بر تبار و نژاد ترک‌ها همواره به عنوان سویه و نگرشی مهم در دل دیگر جریان‌های سیاسی نقش آفرینی کرده، اما چندین دهه حزب مستقل نداشته است. درک این موضوع از این رو اهمیت دارد که در سال ۱۹۲۳ و در زمانی که جمهوری ترکیه به دست مصطفی کمال تأسیس شد، ساختار و نظام «جمهوری»، با تکیه بر مشی و رویه تک‌حزبی اما بدون تأکید بر موضوع تبار و قومیت، خود را به عنوان جریانی معرفی می‌کرد که همه شهروندان ترکیه را به شکل فراگیر و با تکیه بر دو اصل مهم کمالیسم و لائیسزم زیر چتر خود می‌آورد (Özcan, 1999b: 5). پیش از آن نیز سنت سیاسی امپراتوری عثمانی، با توجه به گستردگی قلمرو جغرافیایی و تنوع ادیان و اقوام، هیچ‌گاه خود را به شکل منحصر و محدود به هویت نژادی ترکی تعریف نکرده بود و به منظور حفظ شمول و نفوذ، زمینه مشارکت برای همه عناصر قومی و تباری را فراهم آورده بود. به همین دلیل، جمهوری ترکیه نیز، دست‌کم در سال‌های نخست، سراغ شعارهای تک‌نژادی و انکار دیگران نرفت؛ اما در ادامه طولی نکشید که عصبان‌های مسلحانه کردها از یک سو و تلاش برای خالص‌سازی نژادی ترکی با سردمداری مصطفی کمال آتاتورک و عصمت اینونو از دیگر سو، به سرعت فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه را تغییر داد و استیلای گفتمان تک‌محوری، یعنی ملی‌گرایی نژادی ترکی، به اصل مسلط حکمرانی و

رویکرد سیاسی دولت تبدیل شد (Baysal, 2022). به‌ویژه آنکه این تغییر رویکرد سریع، هم‌زمانی تاریخی، سیاسی و فرهنگی غربی با تلاش‌های نازیسم آلمانی در ترویج گفتمان نژادمحوری داشت. بررسی آرشیو تاریخی روزنامه‌های «جمهوریت و حریت» چاپ آنکارا نشان می‌دهد که سردمداران «جمهوری ترکیه» در آن دوران، آشکارا از تلاش دولت آلمان برای شناسایی نژاد خالص ژرمن و تأکید بر تک‌محوری نژادی ستایش کرده‌اند و آن را الگوی تفکرات سیاسی - اجتماعی خود قرار داده‌اند (Asker, Ahmet, 2012). لذا سران جمهوری ترکیه نیز از این شیوه استقبال کردند و اعزام صدها دانشجو و محقق به اقصی نقاط آناتولی و دیگر مناطق به‌منظور پژوهش بر ظرفیت‌های زبانی و فرهنگی «ترک» و محور قرار دادن تحقیقات کلاسیک دارای سوئه نژادی و اندازه‌گیری دور جمجمه و طول و عرض اعضای سر روستاییان و شهروندان، رفته‌رفته مفهوم ملی‌گرایی ترکی را به برساخته‌ای واحد تبدیل کردند که تثبیت آن مستلزم انکار هر قوم و گروه دیگری در ترکیه بود. این موضوع تا جایی پیش رفت که تأکید بر «ترک بودن» به‌عنوان هویت واحد و یگانه شهروندان در قانون گنجانده شد و ماده ۶۶ قانون اساسی جمهوری ترکیه می‌گوید: «همه کسانی که دارای تابعیت دولت ترکیه می‌باشند، ترک هستند.» تلاش برخی احزاب سیاسی ترکیه برای تغییر این ماده به نتیجه نرسیده و اتفاقاً یکی از نقاط مشترک احزاب ملی‌گرای ترکیه این است که به‌شدت با تغییر تعریف تابعیت ترکیه مخالفت می‌کنند و معتقدند هر کسی که دارای تابعیت این کشور باشد «ترک» است (Ozulu & Kösecik, 2016).

۳. ملی‌گرایان ترک، کنشگران پایبند به ارجاعات تاریخی و نژادی

بررسی اجمالی تاریخچه فعالیت احزاب، جریانات و گفتمان‌های سیاسی در دوران صدساله جمهوری ترکیه، مؤید این واقعیت است که پایبندی و باورمندی به علقه‌ها و بینش ملی‌گرایانه، تقریباً در همه احزاب و جریانات وجود داشته است؛ اما در هر کدام از احزاب ترکیه، ملی‌گرایی با مفاهیم، گفتمان‌ها و اهداف دیگر عجین شده و در دهه‌های نخست تأسیس جمهوری، در اولویت نبوده است. به‌عنوان مثال، حزب جمهوری خلق^۱ به‌عنوان حزبی که هم‌زمان با جمهوری ترکیه به‌دست مصطفی کمال تأسیس شده محورهای فکری - سیاسی مهمی همچون کمالیسم، لائیسزم و تلاش برای رساندن ترکیه به سطح تمدن‌های معاصر جهان را در اولویت قرار داده و پس از آن نیز مشی سوسیال دموکراسی را به اصول اولیه خود افزوده است؛ اما اندکی قبل از ۱۹۵۰ و با پایان دوران تک‌حزبی و

سر بر آوردن احزاب دیگر، زمینه آن فراهم شد که توجه صرف به موضوع ملی‌گرایی به‌عنوان هویت حزبی برجسته‌تر شود. یوسف حکمت‌بایر، عثمان بلوک باشی و فوزی چخماخ در سال ۱۹۴۸ حزب ملت^۱ را تأسیس و توجه به آرمان محافظه‌کارانه و ملی‌گرایی ترکی را مبنای فکری خود اعلام کردند. این هدف‌گذاری از سوی دادگاه جمهوری، به‌عنوان «تهدید علیه اصل لائیسزم» تشخیص داده شد و مؤسسان ناچار شدند نام حزب خود را به حزب ملت جمهوری‌خواه^۲ تغییر دهند. با این حال، توفیق و شهرتی به دست نیاورد و به تاریخ پیوست.

حزب جمهوری‌خواه ملت دهقان^۳ نام حزبی بود که در سال ۱۹۵۸، به‌عنوان حزبی ادغام‌شده از دو حزب کوچک تأسیس شد که گفتمان ملی‌گرایی نیز یکی از اهداف آن بود. این حزب در انتخابات سال ۱۹۶۱ پس از حزب جمهوری خلق و حزب عدالت^۴، رتبه سوم آرای ترکیه را به دست آورد؛ اما پس از مدتی دچار انشقاق و انشعاب داخلی شد. در سال ۱۹۶۵، «آلپ‌ارسلان ترکش» به این حزب پیوست و در مدتی کوتاه تحولات مهمی در مبنای و رویکرد سیاسی حزب صورت گرفت. ترکش در زمانی کوتاه در حزب جمهوری‌خواه ملت دهقان مسیر قدرت را پیمود. او در سال ۱۹۶۹ صدها جوان ملی‌گرای ترکیه را گرد هم آورد و با تغییر نام حزب، سنگ‌بنای مهم‌ترین سازمان‌دهی سیاسی احزاب ملی‌گرای ترکیه را نهاد (Alpdoğan, 2022). وی با تأسیس حزب حرکت ملی^۵، عملاً به سیاستمداری تبدیل شد که می‌تواند پدر تمام جریان‌های ملی‌گرای ترک در ترکیه نامیده شود. رهبر کنونی این حزب، یعنی دولت باغچلی (شریک اردوغان در ائتلاف جمهوری)، از مهم‌ترین شاگردان وی بوده است؛ بنابراین، لازم است ضمن اشاره به اهمیت این رویداد به‌عنوان نقطه عطف برجسته شدن گفتمان ملی‌گرایی ترکی با گرایش نژادی به‌عنوان هویت حزبی، اسامی مهم‌ترین احزاب سیاسی ملی‌گرای ترک را دسته‌بندی و درباره هر یک از آنان برخی نکات مختصر را بیان کرد.

۳-۱. حزب حرکت ملی

1. Millet parti
2. Cumhuriyetçi Millet Partisi
3. Cumhuriyetçi Köylü Millet Partisi
4. Adalet Partisi
5. Milliyetçi Hareket Partisi

سرهنگ آلپ‌ارسلان ترکش از ترک‌های قبرس، بنیان‌گذار و رهبر حزب حرکت ملی، در سال ۱۹۴۸ به‌عنوان افسر ارتش ترکیه به‌منظور گذراندن آموزش نظامی چریکی به مدت دو سال به آمریکا فرستاده شد. او پس از بازگشت در آکادمی ارتش فعالیت خود را ادامه داد و در سال ۱۹۵۵ بار دیگر به آمریکا فرستاده شد و مدت‌ها در پنتاگون، دوره‌های آموزشی و تحقیقاتی را پشت سر نهاد و یکی از اعضای هیئت نمایندگی ترکیه در ناتو بود. ترکش همچنین دوره‌های فشردهٔ کوتاه‌مدتی دربارهٔ اقتصاد بین‌الملل دید و سپس در دورهٔ یادگیری دانش هسته‌ای در آلمان حضور پیدا کرد و دوباره به ترکیه بازگشت (Okur & Güç, 2019). او یکی از ۳۸ عضو کمیتهٔ اصلی فرماندهان کودتای سال ۱۹۶۰ بود که به اعدام عدنان مندرس، نخست‌وزیر وقت ترکیه، منجر شد.

ترکش پس از کودتا مدت کوتاهی معاون نخست‌وزیر بود. پس از آن بارها به‌عنوان نماینده به پارلمان راه یافت و در سال ۱۹۶۹ با تأسیس «حزب حرکت ملی»، سنتز ترکیبی «ترکی - اسلامی» را به‌عنوان مبنای سیاسی حزب خود اعلام کرد. وی صراحتاً به این اشاره کرد که دفاع از آرمان ترکی را اولویت حیاتی می‌داند و موضوع اسلام اولویت دوم حزب اوست.

در سال ۱۹۹۷ دولت باغچلی به‌عنوان یکی از شاگردان مورد اعتماد ترکش، رهبری حزب را بر عهده گرفت. این حزب تا کنون تحت رهبری این سیاستمدار مشهور راست افراطی به فعالیت خود ادامه داده است و در آخرین رقابت سیاسی در سال ۲۰۲۳، ۵۰ کرسی از ۶۰۰ کرسی پارلمان ترکیه را به دست آورده است (Independent Turkish, 2023).

حزب حرکت ملی همواره به‌عنوان جریان ملی‌گرای راست افراطی، علاوه بر بها دادن به رویکرد نژادی ترکی در داخل، همواره بر ضرورت حمایت ترکیه از ترک‌های قبرس، اویغورهای چین، ترکمان‌های عراق، سوریه و افغانستان تأکید کرده و هرگونه سازش و توافق با گُردها را به‌مثابهٔ کمک به تجزیهٔ ترکیه تلقی می‌کند.

دولت باغچلی در دولت ائتلافی بلنت اچویت از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲، به‌عنوان معاون نخست‌وزیر فعالیت کرد. از سال ۲۰۱۴ و از زمانی که حزب عدالت و توسعه^۱ نتوانست به‌تنهایی دولت تشکیل دهد، به شریک ائتلافی اردوغان و حزب عدالت و توسعه تبدیل شد و هنوز هم در این موقعیت قرار دارد. باغچلی، برخلاف رویهٔ رایج ائتلاف‌ها، در کابینه و تقسیم قدرت سهمی از اردوغان نگرفته است؛ ولی در تصمیمات کلان و حساس، طرف مشورت رئیس‌جمهور ترکیه است.

1. Adaket ve Kalkinma Partisi

دولت باغچلی مدرک دکترای اقتصاد دارد و گفته می‌شود به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چهره‌های دولت در سایه یا دولت عمیق، ارتباط تنگاتنگی با نهادهای امنیتی دارد. یکی از ویژگی‌های مهم حزب حرکت ملی این است که عملاً به مهم‌ترین نهاد حزبی و سیاسی ملی‌گرایان ترکیه تبدیل شده و تا کنون چندین حزب دیگر از آن منشعب شده‌اند.

۲-۳. حزب وحدت بزرگ^۱

این حزب در سال ۱۹۹۳ از حزب حرکت ملی منشعب شد و رهبر آن، محسن یازجی اوغلو، به‌عنوان سیاستمداری شناخته می‌شد که قبل از ورود به عرصه آشکار سیاست و نمایندگی پارلمان، مدت‌ها ریاست انجمن‌های فرهنگی و سازمان‌دهی جوانان ملی‌گرای ترک را بر عهده داشت و در چندین مورد به دست داشتن در حمله به علویان و برخی ماجراهای امنیتی دیگر متهم شده بود (Şeker, 2023).

یازجی اوغلو در سال ۲۰۰۹، در واقعه مشکوک سقوط بالگرد جان خود را از دست داد و بررسی دلایل سقوط هیچ‌گاه به نتیجه نرسید. مصطفی دستیجی، رهبر کنونی این حزب، قبلاً صاحب تنها کرسی حزب در پارلمان بود؛ اما در انتخابات سال ۲۰۲۳ حتی این صندلی را به دست نیاورد. وی در هر حال، عضو ائتلاف جمهور و از حامیان اردوغان است.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های حزب وحدت بزرگ این است که توجه به مبانی دینی و اسلامی در این حزب تا حدودی ارجح بر موضوع ملی‌گرایی است و از حیث تشکیلات و سازمان‌دهی ملی، فقط بخش‌هایی از آناتولی را پوشش داده و در شهرهای بزرگ هواداران اندکی دارد.

۳-۳. حزب خوب^۲

این حزب نیز یکی دیگر از جریان‌های ملی‌گرای ترکی است که با انشعاب از حزب حرکت ملی، در سال ۲۰۱۷ تأسیس شده است. خانم مرال آکشنر، رهبر این حزب، قبلاً از شاگردان و معتمدان نزدیک دولت باغچلی بود؛ اما در سال ۲۰۱۷ همراه با ده‌ها چهره دیگر، از حزب مزبور جدا شد و حزب خوب را تأسیس کرد. این حزب اولویت‌های آرمانی و سیاسی خود را این‌گونه تعریف کرده است: آتاتورک‌گرایی، ملی‌گرایی ترکی، ملی‌گرایی محافظه‌کارانه، سوسیال لیبرالیسم، پارلمان‌گرایی و آتلانتیک‌گرایی (Savaş & Zabun, 2023).

1. Büyük Birlik Partisi

2. İYİ Parti

حزب خوب یگانه حزب ملی‌گرای ترک است که در انتخابات سال ۲۰۲۸ به اردوگاه مخالفان اردوغان، ائتلاف ملت، پیوست. این حزب ۴۲ کرسی از ۶۰۰ کرسی پارلمان ترکیه را در دست دارد. از مهم‌ترین ویژگی‌های حزب خوب این است که به موازات ملی‌گرایی، همراهی با سکولارها، آتلانتیک‌گرایی و نگرش لیبرالی را نیز برمی‌تابد؛ اما به روال دیگر احزاب ملی‌گرا حاضر نیست در ائتلافی حضور داشته باشد که کردها در آن صاحب جایگاهی باشند.

۳-۴. حزب ظفر^۱

پروفسور امید اوزداغ، دانش‌آموخته علوم سیاسی و استاد دانشگاه، از چهره‌های سابق حزب حرکت ملی و همچنین از یاران نزدیک مرال آکشر در حزب خوب بود. وی در سال ۲۰۲۱ از این حزب جدا شد و حزب ظفر را تأسیس کرد. آتاتورک‌گرایی، ملی‌گرایی ترک و مخالفت با حضور مهاجران در ترکیه مهم‌ترین ارکان آرمانی حزب ظفر شناخته می‌شوند. این حزب در پارلمان صاحب کرسی نیست؛ اما اوزداغ با به راه انداختن موج تبلیغاتی و فکری وسیع به منظور مهاجرت‌ستیزی و طرح موضوع به خطر افتادن خلوص نژادی ترک‌ها به خاطر تغییر ویژگی‌های جمعیت‌شناسی ناشی از حضور مهاجران، سروصدای زیادی به پا کرد. او وعده داد که در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، همه آوارگان سوری و مهاجران دیگر را به کشورشان بازمی‌گرداند و در صورت نیاز، از قوه قهریه نیز استفاده می‌کند.

امید اوزداغ در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری حاضر شد به ائتلاف ملت بپیوندد. بعدها مشخص شد که او از کمال کلیچدار اوغلو، رهبر حزب جمهوری خلق، وعده مکتوب گرفته که در صورت پیروزی، ریاست سرویس اطلاعاتی میت ترکیه را به دست آورد و برای اخراج آوارگان و مهاجران تعلل نکند.

امید اوزداغ از کارشناسان امنیتی برجسته در حوزه مطالعات حزب کارگران کردستان یا پ.ک.ک است و در رسانه‌ها و محافل سیاسی ترکیه، از این راه صاحب شهرت شده است. تبلیغات گسترده امید اوزداغ درباره تبعات حضور آوارگان و پناهجویان در ترکیه نمونه بارزی از تلاش سیاستمداری ملی‌گرا برای استفاده از روش‌های امنیتی‌سازی و تبدیل موضوعی ساده به وضعیتی

1. Zafer Partisi

متفاوت است که می‌توان آن را بحران‌واره یا پدیده‌ای دانست که توسط حزب سیاسی و ارگان‌های رسانه‌ای آن، همچون یک بحران معرفی می‌شود و توجه بخشی از جامعه را به خود جلب می‌کند.

۳-۵. ائتلاف ابتکاری سینان اوغان

سینان اوغان، از آذری‌های اهل قارص ترکیه و دانش‌آموخته رشته روابط بین‌الملل، مدتی در جمهوری آذربایجان به‌عنوان مشاور دولتی و بعدها به‌عنوان یکی از چهره‌های مشهور حزب حرکت ملی و از معتمدان دولت باغچلی فعالیت کرده است. وی پس از آنکه به‌اتفاق مرال آکشنر از صف یاران باغچلی جدا شد، پس از مدتی با آکشنر نیز به ایستگاه پایان و جدایی رسید و به‌تنهایی گروه سیاسی تشکیل داد. این گروه ساختار حزبی تأسیس ندارد؛ اما به‌عنوان نامزد رقیب اردوغان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۳ شرکت کرد و ائتلاف آتا^۱ یا پدر را تشکیل داد. سینان اوغان در رقابت با اردوغان و در دور نخست انتخابات، تنها ۵ درصد رأی به دست آورد؛ اما آرای او در دور دوم انتخابات ارزش پاره‌سنگی ویژه‌ای پیدا کرد و نهایتاً تصمیم گرفت به نفع اردوغان از رقابت عقب بکشد.

اوغان نمونه بارزی از یک سیاستمدار ملی‌گرای ترک است که در سخنرانی‌ها و کمپین‌های انتخاباتی خود، به‌جای طرح موضوعاتی همچون برنامه و راهکارهای کمک به توسعه کشور، همواره به ضرورت توجه به تهدیدات ملی و امنیتی اشاره می‌کند. و با تأکید مداوم و اغراق‌آمیز روی برساخته‌ای به نام «تهدید بقای کشور»، رأی‌دهندگان را به تکاپو انداخته و به آنان می‌گوید اگر نامزد جبهه مقابل پیروز شود، کشور در معرض نابودی قرار می‌گیرد.

۴. ملی‌گرایان ترک و انتخابات سال ۲۰۲۳ ترکیه

انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی سال ۲۰۲۳ یکی از حساس‌ترین رقابت‌های سیاسی در تاریخ معاصر ترکیه بود؛ زیرا حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، پس از ۲۱ سال زمامداری، در حال و هوای متأثر از چندین بحران بزرگ از جمله بحران اقتصادی، ناکارآمدی سیاسی و کاهش محبوبیت عمومی، عملاً در موضع ضعف قرار گرفته بود. انتظار می‌رفت که رهبر و نامزد مورد حمایت این حزب، اردوغان، متحمل شکست شود و نتواند برای بار سوم عهده‌دار سمت ریاست‌جمهوری شود. یکی از دلایل عمده برای تقویت این باور و پیش‌بینی انتخاباتی، تشکیل

ائتلافی گسترده و متنوع از شش حزب سیاسی ترکیه علیه اردوغان به نام ائتلاف ملت^۱ بود. در ائتلاف مزبور، برای نخستین بار در تاریخ جمهوری ترکیه، شاهد شکل‌گیری جبهه ائتلافی متنوعی بودیم که در آن، طیف گسترده‌ای از چندین نوع گرایش و رویکرد سیاسی و فکری ترکیه زیر یک سقف گرد هم آمدند. اعضای ائتلاف عبارت بودند از:

حزب جمهوری خلق به رهبری کمال کلیچدار اوغلو با رویکرد لائیت، کمالیست و سوسیال دموکرات؛

حزب خوب به رهبری خانم مرال آکشنر با رویکرد آتاتورک‌گرایی، ملی‌گرایی ترکی و آتالانتیک‌گرایی؛

حزب سعادت^۲ به رهبری تمال کاراملا اوغلو (از شاگردان مهم مرحوم نجم‌الدین اربکان) با رویکرد اسلام‌گرایی گرایش اخوانی؛

حزب جهش و دموکراسی^۳ به رهبری علی باباجان با رویکرد لیبرال دموکراسی؛

حزب آینده^۴ به رهبری احمد داوود اوغلو با رویکرد محافظه‌کاری لیبرال و اروپا‌گرایی؛

حزب دموکرات^۵ به رهبری گل‌تکین اویسال با رویکرد اسلامی و گرایش به افکار بدیع‌الزمان نوری.

به‌وضوح می‌توان دید که تفاوت رویکرد سیاسی و تفاوت فکری فراوانی بین این احزاب دیده می‌شود و تنها حزب این ائتلاف شش‌گانه که یک حزب کاملاً ملی‌گرای ترک شناخته می‌شود حزب خوب است. نکته مهم اینجاست که این حزب با پیوستن یک حزب کُردی به ائتلاف مزبور به‌شدت مخالفت کرد و مانع از حضور آن در ائتلاف ملت شد؛ زیرا این حزب را نهاد اقماری حزب کارگران کردستان ترکیه یا پ.ک.ک. می‌دانست و ائتلاف با آن را به‌مثابه سازش در برابر تروریسم تلقی می‌کرد. نکته جالب‌توجه دیگر در مورد این حزب این است که پنج حزب دیگر به‌راحتی توانستند به ائتلاف و همراهی دست پیدا کنند، اما خانم مرال آکشنر یک بار از ائتلاف قهر کرد و خارج شد و دوباره به آن بازگشت. می‌توان این رفتار را چنین ارزیابی کرد که زمینه‌های سازش و ائتلاف بین جریان ملی‌گرای ترکی با جریان سکولار و دموکرات اندک است.

1. Millet İttifaki
2. Saadet Partisi
3. Demokrasi ve Atılım Partisi
4. Gelecek Partisi
5. Demokrat Parti

یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی و فکری مرتبط با ملی‌گرایان ترک در انتخابات سال ۲۰۲۳ این بود که نشان دادند خلاف دهه‌های پیشین، گستردگی و تنوع سیاسی فراوانی یافته‌اند؛ به‌نحوی که برخی احزاب ملی‌گرای ترک می‌توانند با اسلام‌گرایان و برخی دیگر نیز با سکولارها و دموکراسی‌خواهان ائتلاف کنند.

دو حزب ملی‌گرای ترک در دو جبهه متخاصم، یعنی حزب حرکت ملی در ائتلاف جمهور و حزب خوب در ائتلاف ملت، هر دو در موقعیتی قرار گرفتند که به شکل بارز و نمایان، نقش پاره‌سنگ سرنوشت‌ساز و مهم را ایفا کردند؛ به‌نحوی که در صورت تداوم قهر آکشنر، ائتلاف ملت عملاً از هم می‌پاشید و نمی‌توانست با اردوغان رقابت کند و در صورت جدایی باغچلی از اردوغان نیز، ائتلاف جمهور در برابر رقبا شکست می‌خورد. این دو حزب با آرمان و هویت سیاسی واحد اما با دو نوع رویکرد در دو میدان متضاد فعالیت کردند و رقابت ۲۰۲۳ نشان داد که جبهه ملی‌گرایان ترک استعداد فراوانی برای زایش احزاب دیگر و تکثیر نسخه‌های سیاسی و حزبی دیگر دارد.

۵. مهم‌ترین نقاط توافق و اختلاف احزاب ملی‌گرای ترک در ترکیه

با توجه به تنوع و تعدد جریان‌های ملی‌گرا در فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه، باید به این نکته توجه کنیم که تفاوت‌ها و شباهت‌های خاصی بین این جریان‌ها وجود دارد که باعث می‌شود شاهد تکثر رویکردها و تناقض مواضع آنان باشیم؛ اما در عین حال، درباره چندین موضوع بنیادین و مهم اتفاق نظر دارند. در زیر به ویژگی‌های مشترک آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. رویکرد حزبی - سیاسی ملی‌گرایان ترک ارتباط عمیقی با نظامی‌گری دارد و حمایت از توجه ویژه دولت به تقویت ارتش و توسعه صنایع دفاعی، حمایت از مداخله نظامی ترکیه در منطقه و ارتباط عمیق با ارتش و نظامیان، ویژگی مشترک این احزاب است.

۲. رهبران ملی‌گرای ترک همواره با سرویس اطلاعاتی و چهره‌های امنیتی روابط خاصی داشته و دارند و به این مشهور هستند که فارغ از موقعیت سیاسی و حزبی خود، در دولت پنهان یا عمیق دست دارند و دارای امکان دسترسی به اطلاعات حساس و طبقه‌بندی شده هستند.

۳. رهبران ملی‌گرای ترک در سخنرانی‌های خود دارای رویکرد حماسی و استناد مداوم به تاریخ هستند و به‌جای الفاظ فراگیری همچون شهروندان کشور یا هم‌وطنان، از لفظ مرسوم «ملت ترک» استفاده می‌کنند. تأکید ویژه بر «ترک بودن»، از بسامدهای مهم مصاحبه‌ها و اظهارات آنان است.

۴. توجه به حقوق و موقعیت سیاسی ترک‌ها در کشورهای دیگر از ملزومات همیشگی سخنرانی و موضع‌گیری سیاسی رهبران احزاب ملی‌گرای ترک است و به‌استثنای ایران، درباره ضرورت حمایت از ترک‌های همه کشورهای جهان تأکید می‌کنند.

۵. همه رهبران ملی‌گرای ترک در مشی اخلاقی و فردی به آداب و تربیت اسلامی و دین‌مدارانه پایبند هستند و حتی خانم مرال آکشنر که حجاب اسلامی ندارد، پس از تغییر کاربری موزه ایاصوفیه استانبول و تبدیل آن به مسجد، با حجاب کامل در حیاط این مسجد نماز شکر به‌جای آورد. دولت باغچلی، مصطفی دستیجی، امید اوزداغ و دیگر سیاستمداران ملی‌گرای ترک نیز اهل طاعت و عبادت هستند.

۶. یکی دیگر از نقاط مشترک همه رهبران ملی‌گرای ترک این است که در موضع‌گیری سیاسی خود، قائل به سازش با کردها و علویان نیستند و حساسیت ویژه‌ای به رویداد تاریخی کشتار ارمنه در سال ۱۹۱۵ دارند و از آن با عبارت رویدادهای دوران کوچاندن ارمنه یاد می‌کنند.

۷. سران احزاب ملی‌گرای ترک، به‌ندرت به سمت اتخاذ مواضع غرب‌ستیزانه حرکت می‌کنند و در مجموع با آمریکا، ناتو، اتحادیه اروپا و رژیم صهیونیستی اسرائیل مخالفت و ضدیت مبنایی و بنیادین ندارند.

۸. توجه به مفاهیمی همچون امنیت ملی، بقای ملی، اعتبار و اهمیت ترکیه در منطقه نزد رهبران ملی‌گرای ترک، به‌مراتب مهم‌تر از الفاظ و مفاهیم مرتبط با معیشت، رفاه و توسعه اقتصادی است.

۷. نتیجه‌گیری

نتایج انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی ۲۰۲۳ ترکیه بار دیگر نشان داد که «ملی‌گرایی ترکی» گفتمان سیاسی-اجتماعی مهم و اثرگذار در فضای سیاسی و فرهنگی جامعه ترکیه است. با توجه به جمعیت گسترده هواداران جریانات سکولار - کمالیست و محافظه‌کار دموکراسی‌خواه ملی‌گرایان ترک در مقایسه با رقبا، جریان ملی‌گرای ترک توان و اقبال این را ندارد که به‌تنهایی به قدرت برسد و به گفتمان مستولی و رده نخست تبدیل شود. این گفتمان می‌تواند در میانه میدان و در بین دو جریان عمده محافظه‌کار و سکولار نقش نقطه ثقل و تغییردهنده موازنه را ایفا کند. به عبارتی روشن، ملی‌گرایی ترکی نمی‌تواند به‌تنهایی گفتمان غالب شود و قدرت را قبضه کند؛ از منظر جامعه‌شناسی سیاسی مرتبط با مطالعات جوانان و تغییر نسل‌ها، افکار جدیدی ندارد و در یک چنبر سنتی قرار

گرفته است. با وجود این، احزاب و سیاستمداران دارای گرایش ملی‌گرایی ترکی در جایی ایستاده‌اند که فعلاً می‌توانند از هر دو جبهه سکولار و محافظه‌کار امتیاز کسب کنند و یار ائتلافی شوند. آن‌ها در چنین شرایطی می‌توانند به بخشی از خواسته‌های خود دست یابند و به طور نسبی شاهد تحقق بعضی از آرمان‌هایشان باشند.

نتایج انتخابات سال ۲۰۲۳ ترکیه در دو حوزه پارلمانی و ریاست‌جمهوری نشان داد که احزاب و رهبران ملی‌گرای ترک، مجموعاً یک‌ششم از کرسی‌های پارلمان را در اختیار دارند؛ اما طوری در مشی سیاسی خود گروکشی می‌کنند که عملاً وزن آن‌ها به مراتب بیشتر از تعداد کرسی‌هایشان است.

احزاب ملی‌گرای ترک در ترکیه معمولاً میانه‌خوبی با گرایش‌هایی دارند که با تبعیت از مشی نظامی‌گری، امنیتی‌سازی، دوقطبی‌سازی و دیگری‌سازی - بدون آنکه برنامه روشنی برای اداره کشور داشته باشند - به حیات سیاسی خود ادامه دهند. در شرایط کنونی، بخش چشمگیری از ملی‌گرایان ترک، با استفاده از تاکتیک دیگری‌سازی و معرفی کردها به عنوان کانون تهدید امنیت ملی، فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه را به گونه‌ای مدیریت می‌کنند که فارغ از شرایط بحران اقتصادی ترکیه، باز هم بخشی از قدرت را در اختیار بگیرند و در عین حال، با یکی از دو جریان غالب حزبی معامله کنند. برخی دیگر از جریان‌های ملی‌گرای ترک در ترکیه همچون حزب ظفر، تاکتیک دیگری‌سازی را درباره پناهجویان و آوارگان سوری اعمال می‌کنند و مدعیان این است که حضور جمعیتی نزدیک به چهار میلیون نفر از آوارگان سوری در شهرهای مختلف ترکیه، منبع تهدید برای تداوم تغییرات جمعیت‌شناسی، افزایش جمعیت اعراب و کردها و کاستن از جمعیت ترک‌ها در ترکیه است.

توجه به خط‌مشی سیاسی کنونی دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه در ترکیه در هر دو حوزه سیاست خارجی و داخلی نشان‌دهنده این است که این دولت، دست کم در شرایط کنونی، برای گذار از موانع و معضلات مهم زیر برنامه روشنی ندارد:

۱. درگیری فرساینده و طولانی بین گروه موسوم به پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان) و نظامیان ترکیه در شمال عراق، شمال سوریه و بخش‌هایی از مرز ترکیه و مطالبات کردها. (به‌ویژه

تأکید مکرر حزب حاکم و شریک ملی‌گرای آن بر تغییرناپذیر بودن اصل قانون اساسی که تمام شهروندان این کشور را ترک قلمداد می‌کند؛

۲. دوقطبی سکولار و مذهبی در ترکیه؛

۳. تنش پایدار در روابط آنکارا - دمشق و بلا تکلیفی نزدیک به چهار میلیون آواره و پناهجوی

سوری در ترکیه؛

۴. تکمیل روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا؛

۵. معضلات مرتبط با توسعه سیاسی، دموکراسی، آزادی بیان، مطالبات اقلیت‌ها؛

۶. فعالیت گروه‌های مسلح غیرقانونی دارای روابط پنهان با انجمن‌های ملی‌گرا؛

۷. مباحث مرتبط با شفافیت مالی و رانت‌های بزرگ پول‌شویی و ارتشا در ترکیه.

تا زمانی که معضلات فوق در ترکیه حل نشود، همچنان فضا برای فعالیت تندروهای ملی‌گرای ترک وجود خواهد داشت و در چنین اوضاعی می‌توانند با استفاده از نفوذ اجتماعی محدود خود، به شریک دولت تبدیل شوند. ملی‌گرایان ترک در عمل و در کردار سیاسی و حزبی، خود را ملزم نمی‌بینند که با موضوعات استراتژیک و مهمی همچون بحران اقتصادی، برنامه‌ریزی برای توسعه ترکیه، تکمیل روند عضویت در اتحادیه اروپایی، مبارزه با فقر و فساد، تغییر الگوهای مدیریتی و مسائلی از این دست درگیر شوند و برنامه و نقشه راه ارائه دهند؛ بلکه با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی، به تداوم روش‌های ارباب و امنیتی‌ساز ادامه می‌دهند تا خود را حفظ کنند. با این حال، نمی‌توان از کنار این واقعیت به‌سادگی گذشت که در معادلات اجتماعی امروز ترکیه، چهره‌های جوان و متنفدی برای جایگزینی رهبران کاریزماتیک سالمندی مانند دولت باغچلی وجود ندارد. اساساً ملی‌گرایی ترک، با گروه اجتماعی موسوم به «نسل زد» رابطه پایدار و رو به رشد ندارد و از جریاناتی است که احتمالاً در آینده، بیش از هر گروه سیاسی دیگری، از تحولات اجتماعی و تغییر رویکردهای سیاسی جوانان به سمت مفاهیم دموکراتیک و توسعه سیاسی متأثر خواهد شد.

References

- Alpdoğan, F. F. (2022). "Alparslan Türkeş: Bir Lider Portresi ve Teori Olarak Demokratik Milliyetçilik". *Sosyolojik Düşünce*, 7(1), 1-31.
- Asker, A. (2012). "Nazi Almanyası'ndan Kemalist Türkiye'ye bakışlar". *Atatürk Yolu Dergisi*, 13, 261-516.

- Baysal, N. O. (2022). "Şeyh Sait İsyanı' nın Nedenleri Gelişim Süreci ve Sonuçlarına Dair Değerlendirme". *GAB Akademi*, 2, 25-42.
- Independent Turkish: <https://www.indyturk.com/secim2023/>
- Okur, M. A. & Güç, K. (2019). "Amerikan Belgelerinde Alparslan Türkeş: Kurgular ve Gerçekler". *Milliyetçilik Araştırmaları Dergisi*, 1(2), 60-77.
- Özcan, B. (1999). "Cumhuriyetin İlâni ve Yankıları". *Atatürk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi*, 11.
- Ozulu, S. & Kösecik, M. (2016). "Anayasal Vatandaşlık ve Türkiye'de Yeni Anayasa Yapım Sürecinde Siyasi Partilerin Vatandaşlık Söylemleri". *Süleyman Demirel Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi*, 21(2), 513-537.
- Savaş, A. R. & Zabun, A. H. (2023). "Türk Milliyetçiliğinin Partileşme Süreci: Ckmp'den İyi Parti'ye Türkiye'de Milliyetçi Partiler". *Karadeniz Uluslararası Bilimsel Dergi*, 59, 146-165.
- Şeker, G. (2023). "Muhsin Yazıcıoğlu'nun Siyasi Hayatı Ve Milliyetçilik Anlayışı". *Türkiye Mesleki ve Sosyal Bilimler Dergisi*, 11, 80-89.

